



اشاره:

در هفت قسمت پیشین، معنا و تعریف آزادی، پیشینه آزادی در اندیشه‌های غربی، شرقی و فرهنگ ایرانی، انواع آزادی (تکوینی و تشریحی)، ویژگیهای انسان آزاد از نگاه اسلام و حکما، و آزادی از نگاه قرآن و روایات مورد بحث و بررسی قرار گرفت. سپس بحث گونه‌های آزادی و قلمرو آن در اسلام مطرح شد و سه گونه آن یعنی؛ آزادی فلسفی، آزادی معنوی و آزادی اندیشه تبیین گردید. در این مقاله «آزادیهای سیاسی» را مورد بحث قرار می‌دهیم.

آزادیهای سیاسی

آزادی سیاسی از حقوق طبیعی هر انسانی است که به موجب آن هر فردی به عنوان عضوی از جامعه حق دارد در سرنوشت خود دخالت نموده، حاکم و مقامات سیاسی را انتخاب نموده و یا به تصدی حاکمیت نائل آید. هیچ فرد یا گروه خاصی نمی‌تواند این حق را به خود اختصاص دهند، و دیگران را از آن محروم سازند.

آزادی سیاسی مصادیق متعددی دارد، از جمله: آزادی انتخاب و حق رأی، آزادی بیعت، آزادی در انتقاد و اعتراض، آزادی تشکیل اجتماعات و

فساد درونی اشخاص آگاهی ندارند، ممکن است شخصی را که انتخاب می‌کند اتفاقاً برخلاف تشخیصشان مفسد از کار در آید؟ عرض کردم: بلی، ممکن است. فرمود: علت ممنوعیت مردم همین است، که من آن را به صورت برهان برایت ایراد کردم. سپس رو به سعد کرده و فرمود: بگو بینم پیغمبرانی که خدا آنها را برگزیده و کتابشان داده و با عصمت تأییدشان کرده - با اینکه اعلم همه امتهما هستند - مانند موسی و عیسی علیهما السلام، آیا با وفور عقل و کمال علمی که دارند هیچ ممکن نیست که وقتی بخواهند اشخاص نیکی را برای کاری انتخاب کنند اتفاقاً منافق از کار درآیند؟ عرض کردم: نه. فرمود: بلکه ممکن است، به شهادت اینکه موسی کلیم الله با وجود عقل و کمال علمش و با اینکه به او وحی می‌شد، وقتی از اعیان قومش و از جوه لشکریانش و خلاصه از کسانی که شکی در ایمان و اخلاصشان نداشت، هفتاد نفر را برای رفتن به میقات برگزید، انتخابش به خطا رفت و به جای هفتاد نفر با ایمان، هفتاد نفر منافق برگزید و قرآن درباره‌اش فرموده ﴿وَإِخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا يُحِبُّونَا﴾ تا آنجا که می‌فرماید ﴿أَلَمْ نؤمن لَكَ حَتَّى تَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذْتَهُمُ الصَّاعِقَةَ يُظَلِّمُهُمْ﴾. (اعراف/ ۱۵۵ و بقره/ ۶۵).

پس با اینکه می‌بینم اختیار و انتخاب شخصی مثل موسی علیه السلام؛ کسی که خداوند برای نبوتش برگزیده، به خطا می‌رود، و افسد را به جای اصلح برمی‌گزیند، می‌فهمیم که انتخاب تنها و تنها کار کسی است که به باطن اشخاص راه داشته و ضمائر و سریره‌های افراد برایش آشکار باشد. (تفسیر نورالثقلین، محدث حویزی، چاپ حکمت، قم، ج ۲، ص ۷۶، ح ۲۸۳؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۸، ح ۳؛ تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی زنجانی، ج ۸، ص ۳۷۲ و ۳۷۳.

احزاب، و آزادی بیان و قلم را می‌توان نام برد.

### الف. آزادی انتخاب و حق رأی

در نظامهای آزاد دنیا، طبیعی‌ترین راه برای بدست آوردن قدرت سیاسی و دخالت در تعیین سرنوشت خود و کشور، انتخابات است که مردم از این طریق می‌توانند رئیس دولت و نمایندگان خود را انتخاب کنند.

در نظام سیاسی اسلام منشأ مشروعیت حاکم اسلامی، تعیین و نصب او از جانب خداوند می‌باشد.<sup>۱</sup> با این حال مردم در نظام سیاسی اسلام نقش بسیار مهم و تعیین کننده‌ای دارند. نقش مردم در واقع در تعیین مصادیق و محقق ساختن حکومت

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الأمير إلى الله، يقره حيث يشاء»؛ این امر (مسئله انتخاب امام و رهبر)، مربوط به خداوند است و در هر کجا بخواهد قرار می‌دهد. «ابن جریر طبری، تاریخ الامم والملوک، مؤسسة الاعلمی، بیروت، (۸ مجلد)، ج ۲، ص ۸۴ یکی از اصحاب امام زمان علیه السلام می‌گوید: درباره فلسفه انتصابی بودن امام سؤال کردم که چرا مردم از انتخاب امام و رهبر برای خود ممنوع شدند؟! حضرت فرمودند: امام مصلح و یا مفسد؟ عرض کردم: البته مصلح. فرمودند: آیا با اینکه احدی از مردم از صلاح و

دنیا، مردم براساس اعتقادات، فرهنگها، ارزشها، آرمانها و در یک کلام جهان بینی خاص خودشان نظام حاکم بر خویش را بوجود می آورند. هر چند در انتخاب حاکم و نماینده و امثال اینها آزادند، لکن هر کدام برای خودشان قوانین و معیارهای دیگری دارند که اگر از آن تخطی کنند متضرر می شوند و با مشکلات فراوانی روبه رو می گردند. از این رو برای حفظ منافع خود، خویشان را ملزم به رعایت آن اصول می نمایند.

در اسلام برخی از رهبران و حاکمان به صورت منصوص از طرف خداوند نصب شده اند که مردم باید از آنان پیروی کنند و حق مخالفت با آنان را ندارند. آنان عبارتند از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام که همه مسلمانان موظف به پیروی از آنها می باشند، هرچند که اگر مردم پیروی نکرده و ولایت آنها را نپذیرفتند، حکومت الهی محقق نمی شود. اما در دوران غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام،

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۷۸، باب سقوط جهادالبغاة والمشرکین (۲۸)، ح ۶.

است.

در اسلام ولی و حاکم را خداوند منصوب می کند، اما این حاکم و ولی در صورتی می تواند حاکمیت خود را به اجرا بگذارد که مردم با او بیعت کنند و ولایت او را بپذیرند. از اینروست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «یا ابن ابی طالب لک ولایة اُمتی فإِن وُلِّیْتُ فِی عَاقِبَةِ وَأَجْمَعُوا عَلَیْکَ بِالرِّضَا فَقُمْ بِأَمْرِهِمْ وَإِنِ اخْتَلَفُوا عَلَیْکَ فَدَعْهُمْ وَمَا هُمْ فِیهِ»<sup>۱</sup> ای پسر ابوطالب، ولایت و حاکمیت امت من از آن تو است، پس اگر آنان تو را در کمال عافیت برای این امر انتخاب کردند و بر تو اتفاق نظر توأم با رضایت داشتند، تو نیز بر امور آنان قیام کن، اما اگر بر تو اختلاف کردند، آنان و امورشان را به حال خودشان واگذار کن.»

حال در اینجا این سؤال پیش می آید که آیا مردم بر اساس نظام سیاسی اسلام در انتخاب رهبر، رئیس جمهور و نماینده کاملاً آزادند؟ آیا می توانند هر کسی را به دلخواه خودشان انتخاب کنند؟

در اجتماعات و نظامهای امروز

مسلمین باشد و بر آنها کسی را به کار گمارد، در حالی که می‌داند در میان آنها کسی است که از او برتر است و به قرآن و سنت پیامبر داناتر می‌باشد، به خدا و رسول او و تمام مؤمنین خیانت کرده است.»

و امام امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌ای خطاب به کارگزاران و مدیران می‌فرماید: «وَلَا تَأْمَنَنَّ عَلَيْهَا إِلَّا مَنْ تَشْفُقُ بِدِينِهِ، زَافِقًا بِمَالِ الْمُسْلِمِينَ، حَتَّى يُوَصَّلَهُ إِلَى وَلِيِّهِمْ، فَيَقْسِمَهُ بَيْنَهُمْ؛ وَلَا تَوَكَّلْ بِهَا إِلَّا نَاصِحًا شَفِيقًا، وَأَمِينًا حَفِظًا؛<sup>۱</sup> اموال مردم را به دست کسی بسپار که به دین داری او اعتماد داشته باشی، [کسی که] اموال مسلمانان را با رفق [و سلامت] می‌آورد تا به دست ولی ایشان برساند تا او [ولی] آن را میان همه تقسیم کند، این اموال را به دست کسی بسپار که خیرخواه و مهربان و امین و مراقب باشد.»

براساس نص صریح معصومین علیهم السلام مسلمانان موظف‌اند از کسانی که دارای شرایط ویژه رهبری بوده و به نصب عام منصوب گشته‌اند پیروی کنند. اینجاست که پای انتخاب رهبر به میان می‌آید. در واقع در اینجا انتخاب به معنای تشخیص شرایط رهبری است که در نصوص اسلامی آن شرایط بیان شده است. در انتخاب کارگزاران دیگر در حکومت اسلامی نیز مردم آزادند اما باید اصول و معیارهایی را در نظر گرفت که اگر کسانی این اصول و معیارهای اسلامی را در نظر نگیرند و افرادی را انتخاب کنند که فاقد صلاحیتند، به اسلام و مسلمین و خدا و رسول خیانت کرده‌اند، و شریک جرمند و باید در دادگاه عدل الهی پاسخگو باشند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

«مَنْ تَوَلَّى مِنْ أَمْرِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا فَاسْتَعْمَلَ عَلَيْهِمْ رَجُلًا وَهُوَ يَغْلَمُ أَنَّ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَوْلَى بِدِينِكَ مِنْهُ، وَأَعْلَمُ بِكِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّتِهِ نَبِيِّهِ، فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ؛<sup>۲</sup> کسی که متولی چیزی از امر

۱. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نورالدین میثمی، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۸ هـ ق، ج ۵، ص ۲۱۱؛ المعجم الكبير، أحمد بن ایوب طبرانی، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الثانية، قاهره، (۲۵ مجلد)، ج ۱۱، ص ۹۴.  
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نامه ۲۵.

و امام صادق علیه السلام می فرمایند: «إِنَّ مِنْ فَنَاءِ الْإِسْلَامِ وَفَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ، أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ، وَلَا يَضَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ؛<sup>۱</sup> یکی از عوامل نابودی اسلام و مسلمانان، آن است که اموال در اختیار کسی قرار گیرد که حق را در آنها تشخیص نمی دهد و با آنها به انجام دادن کار نیک نمی پردازد.»

مسئله انتخاب و گزینش افراد صالح و شایسته در اسلام خیلی مهم است. اگر تاریخ اسلام را ورق بزنیم مشاهده می کنیم که انحراف، عقب ماندگی، و فقر و فساد در جهان اسلام در طول تاریخ، به دلیل وجود افراد ناشایست، هوسران، بی تعهد و بی ایمانی بوده است که زمام داری و حاکمیت مسلمین را به عهده داشته اند. در حال حاضر نیز این نوع افراد را در میان حاکمان فعلی جهان اسلام می بینیم، ضررهایی که توسط آنها به اسلام و مسلمین وارد می شود را لمس می کنیم و این پند بزرگی از تاریخ است که ما را هر چه بیشتر در انتخاب حاکمان به دقت و تأمل وامی دارد. کوتاه سخن اینکه: حاکمیت در اسلام نه به صورت تشوکرآسی است که

مردم هیچ گونه حقی در انتخاب زمامداران و کارگزاران دولت نداشته باشند، و نه آن گونه است که مردم در انتخابات به هر گونه که دلخواهشان باشد بتوانند صحیح یا ناصحیح، افراد صالح یا ناصالح را انتخاب کنند؛ بلکه حاکمیت در اسلام به معنای حاکمیت خداوند است و مشروعیت حکومت نیز از آن اوست. و در عین حال از ناحیه شرع مقدس اسلام درباره کارگزاران حکومتی اوصاف و شرایط و حدودی معین و مشخص شده که مردم باید در انتخاب رئیس دولت و نماینده و امثال آن، این حدود و شرایط را دقیقاً مراعات کنند.

### شرایط ویژه رهبری

آنچه در زمان ما حائز اهمیت است، شرایط مهم ترین انتخاب ما؛ یعنی انتخاب رهبر می باشد.

با توجه به اهمیت زعامت و رهبری، در متون دینی شرایط ویژه برای انتخاب رهبر مورد توجه قرار گرفته است که در ذیل به آنها اشاره می شود.

#### ۱. فقاہت

از آنجا که قوانین حکومت

۱. الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۲۵، باب المعروف، ج ۱.

را با مشکلات فراوانی روبرو می‌سازد و کشور را تباه می‌کند. اگر خدا ترس نباشد، هر چند عالم و قوی باشد، به درد رهبری جامعه اسلامی نمی‌خورد. به همین جهت امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید:

«أَمَا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ، ضَائِبًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالِفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلْيَقْوَامِ أَنْ يَقْلُدُوهُ وَذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَغْضَ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ؛ لَأَكْثِهِمْ؛<sup>۲</sup> هر کس از فقها که خود نگهدار، نگهدار دین، مخالف هوای نفس و مطیع فرمان مولایش باشد، باید مردم از وی تقلید کنند، و آن نیست مگر در برخی از فقهای شیعه؛ نه همه آنها.»

و امام امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«وَالْوَاجِبُ فِي حُكْمِ اللَّهِ وَحُكْمِ الْإِسْلَامِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ... أَنْ يَخْتَارُوا لِأَنْفُسِهِمْ إِمَامًا عَفِيفًا عَالِمًا وَرِعًا؛<sup>۳</sup> بر اساس حکم خدا و اسلام، بر مسلمانان واجب است، امام و رهبری پاکدامن، عالم و متقی برای خود برگزینند.»

اسلامی برگرفته از کتاب و سنت است، مستلزم آنست که حاکم اسلامی آگاه‌ترین فرد نسبت به احکام الهی بوده، از تخصص کافی برخوردار باشد، تابواند احکام شرعی را از قرآن و روایات معصومین علیهم السلام استنباط کند.

امام امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«يُنَبِّهُ النَّاسَ! إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ، أَقْوَامُهُمْ عَلَيْهِ، وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ؛ ای مردم! سزاوارترین مردم نسبت به امر رهبری [جامعه اسلامی]، قوی‌ترین آنان نسبت به [تحقق] حکومت، و داناترین آنها نسبت به فرمان خداوند در مورد حکومت است.» و در ادامه می‌فرماید:

«الْأَيْخِمِلْ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلَ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمَ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ؛<sup>۱</sup> پرچم زعامت امت را کسی جز آن که دارای بینش و استقامت و آگاهی کامل به مواضع حق است، به دوش نمی‌کشد.»

در زمان ما، فقیه آگاه، تنها کسی است که این ویژگی را دارا است.

## ۲. تقوا و پاکدامنی

حاکم اسلامی اختیارات وسیعی دارد و اگر تقوا و شایستگیهای اخلاقی لازم را نداشته باشد، اسلام و مسلمین

۱. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، خ ۱۷۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱، باب ۱۰، من ابواب صفات القاضی، (چاپ مؤسسه آل‌البیت)، ح ۳۳۴۰۱.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، انتشارات اسماعیلیان، چاپ اول، قم، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۷.

## ۳. عدالت

شرط سوم رهبری عدالت است، و این مهمترین صفتی است که باید حاکم اسلامی داشته باشد و در انتخاب او باید مدنظر قرار گیرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَيُّمَا وَالٍ وُلِيَ الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِي، أُقِيمَ عَلَيَّ حُدَّ الصَّرَاطِ وَنَشَرَتْ الْمَلَائِكَةُ صَحِيفَتَهُ، فَإِنْ كَانَ عَادِلًا أَتَتْهُ اللَّهُ بِعَدْلِهِ...»<sup>۱</sup> هر کس بعد از من ولایت و منصبی را بپذیرد، روز قیامت در کنار صراط نگه داشته می شود و فرشتگان نامه اعمال او را می گشایند، اگر عادل بود، خداوند او را به برکت عدالتش نجات می دهد...»

و امام امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «اتَّقُوا الْحُكُومَةَ، فَإِنَّ الْحُكُومَةَ إِنَّمَا هِيَ لِلْإِمَامِ الْعَالِمِ بِالْقَضَاءِ الْعَادِلِ فِي الْمُسْلِمِينَ كَتَبِي أَوْ وَصِي نَبِيٍّ»<sup>۲</sup> از حکومت پرهیزید، زیرا حکومت فقط از آن امامی است که عالم به احکام و عادل در میان مسلمانان باشد؛ مانند پیامبر یا وصی پیامبر.»

## ۴. کاردانی و حسن سرپرستی

یکی دیگر از شرائط حاکم اسلامی، تدبیر و کاردانی است. اگر فقهی از تدبیر و کاردانی لازم

برخوردار نباشد، عقلاً و شرعاً نباید این مسئولیت سنگین و خطیر را بر عهده گیرد و بر مسلمین لازم است رهبری چنین کسی را نپذیرند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «لَا تَصْلُحُ الْإِمَامَةَ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثٌ خِصَالٍ: وَرَعٌ بِحِجْرَةٍ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ، وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ عَضْبَهُ، وَحُسْنُ الْوَلَايَةِ عَلَيَّ مَنْ يَلِي حَتَّى تَكُونَ لَهُمْ كَأَوْلَادِ الرَّحِيمِ»<sup>۳</sup> امامت، تنها زبیده کسی است که دارای سه ویژگی باشد؛ ورعی که او را از معاصی الهی منع کند، حلمی که بوسیله آن غضب خویش را مهار کند، و حسن سرپرستی نسبت به مردم، تا برای آنها چون پدری مهربان باشد.»

بنابراین رهبر باید کسی باشد که در برابر حوادث با در نظر گرفتن مصالح اسلام و مسلمین تدبیر درستی داشته و آنان را خوب سرپرستی کند.

۱. الأملی، ابوجعفر، محمد بن حسن طوسی، انتشارات دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق، ص ۷۲۷، مجلس ۴۴؛ شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۳۶.  
 ۲. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴، ابواب القضا یا و الاحکام، باب ۳، ح ۱.  
 ۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰۷، باب ما یجب من حق الإمام علی الرعیة و...، ح ۸

قوی، قاطع و شجاعانه رهبر باعث دلگرمی و امید امت است. وقتی مردم مشاهده کنند که رهبر آنها حقیقتاً در شجاعت و صلابت در مقابل دشمن پیشقدم است، چنان قدرت و اقتداری می‌یابند که تمام رشته‌های دشمن را برمی‌تابند.

به جهت اهمیت این صفت است که امام امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «خَوْرُ السُّلْطَانِ أَشَدُّ عَلَى الرَّعِيَةِ مِنْ خَوْرِ السُّلْطَانِ»<sup>۳</sup> سستی و ضعف فرمانروا از ظلم او بر مردم بدتر است.

اینها از جمله شرایطی است که در انتخاب رهبر و پذیرش مردم از نظر اسلام مطرح است. و براساس اصل پنجم و یکصد و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز رهبری باید دارای ویژگیهای فوق باشد.

**شرایط انتخاب رئیس دولت،**

### نمایندگان و کارگزاران

در انتخاب این افراد نیز به جز شرط اول (فقاہت) دیگر شرایط گفته

### ۵. بینش سیاسی و اجتماعی

یکی دیگر از شرایط مهم رهبری، داشتن بصیرت و آگاهی نسبت به اوضاع سیاسی زمان است، تا مورد هجوم امور ناگهانی و پیش بینی نشده واقع نشود. امام صادق علیه السلام فرمود: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَايِسُ»؛ کسی که به اوضاع زمان خویش آگاه باشد، مورد هجوم امور مشتبه [و پیش بینی نشده] واقع نمی‌شود.

و در روایت دیگر درباره کسی که بدون بصیرت کاری را انجام می‌دهد، می‌فرماید: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّنِيرِ إِلَّا بَعْدًا»؛ کسی که بدون بصیرت و آگاهی، کاری را انجام می‌دهد، مانند کسی است که از بیراهه سیر می‌کند که هر قدر سریعتر می‌رود، از مقصد دورتر می‌شود.

به لحاظ اینکه رهبر می‌خواهد همه مردم را به سوی مقصد راهبری کند، لازم است بصیرتش از همه مردم بیشتر باشد.

### ۶. شجاعت

شجاعت و قاطعیت از دیگر صفات رهبر است که نبود آن باعث تزلزل پایه‌های حکومت و تسلط دشمنان می‌شود. تصمیم

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶، کتاب العقل والجهل، ح ۲۹.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۱، ح ۵۸۶۴.

۳. غررالحکم ودررالكلم، ص ۴۳۱، ح ۷۷۸۸.



در داستان حضرت یوسف علیه السلام نیز می بینیم هنگامی که پیشنهاد و سرپرستی خزانه داری مصر از سوی حضرت یوسف علیه السلام مطرح گشت، ایشان بر روی امانت داری و دانش خویش تکیه کرد و گفت: ﴿تَجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ﴾؛<sup>۲</sup> «مرا سرپرست گنجینه های این سرزمین (مصر) قرار ده؛ که نگهدارنده و آگاهم.»

روزی یکی از یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: چرا یکی از پستهای مهم دولتی را به من واگذار نمی کنی؟ حضرت دست به شانه او نهاد و فرمود: «إِنَّكَ ضَعِيفٌ، وَإِنَّهَا أَمَانَةٌ (وَالْأَمَانَةُ ثَقِيلَةٌ) وَإِنَّهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِزْيٌ وَنَدَامَةٌ إِلَّا مَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا وَأَدَّى الَّذِي عَلَيْهِ فِيهَا!»<sup>۳</sup> تو ضعیف هستی و اینها، امانت است (و امانت سنگین است) و روز قیامت، مایه رسوایی و پشیمانی می گردد، مگر کسی که آن را به حق بگیرد و وظیفه خود را درباره آن ادا کند!»

۱. قصص/۲۶.

۲. یوسف/۵۵.

۳. الجامع الصحیح (صحیح مسلم)، ابن مسلم قشیری، بیروت، دار الجیل، بی تا، ج ۶، ص ۶.

شده درباره رهبر مطرح است. بعلاوه چند شرط دیگر را نیز باید مورد توجه قرار داد که در ذیل به آنها اشاره می کنیم. البته لازم به یادآوری است که هرچند موارد و شرایط ذیل نیز در رهبر مسلمین باید باشد، منتهی وجود این شرایط در رهبری یک امر عادی است؛ یعنی فرض این است که امام مسلمین با توجه به جایگاهی که دارد باید بالاتر از این حرفها باشد.

#### ۱. امانت داری و درستکاری

در آیات و روایات اسلامی یکی از شرایط مهمی که در گزینش افراد برای کارگزاری به آن تأکید شده است، امانت داری است. در داستان حضرت موسی و شعیب علیه السلام، هنگامی که یکی از دختران شعیب به پدر خود پیشنهاد می دهد موسی را برای سرپرستی اموال و چوپانی گوسفندان شان برگزیند، به «قوت» و «امانت» موسی علیه السلام اشاره می کند و می گوید: ﴿يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾؛<sup>۱</sup> «ای پدر! او را استخدام

کن؛ زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی، آن است که قوی و امین باشد.»

## ۲. ایمان، اصالت و تجربه

امام علی علیه السلام می فرماید:

«وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجْرِبَةِ، وَالْحَيَاءِ، مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ، وَالْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمَقْدَّمَةِ...<sup>۱</sup> کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و با حیا از خاندانهای شایسته برگزین که در مسلمانی، سابقه درخشانی دارند.»

ایشان در بیان دیگری می فرماید:

«ثُمَّ الصَّقِ بِدَوَى الْمَرْوَاتِ وَالْأَخْسَابِ وَأَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَالشَّوَابِقِ الْحَسَنَةِ؛<sup>۲</sup> سپس به سراغ کسانی برو که از خانواده‌های نجیب و با شخصیت و اهل خانه‌های شایسته و خوش سابقه‌اند.»

## ۳. حسن سابقه

داشتن حُسن سابقه از شرایط مهمی

است که امروزه مورد قبول همه مجامع و محافل جهانی است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در نامه خود خطاب به مالک اشتر می فرماید:

«إِنَّ شَرَّ مَوْزِرَاتِكَ مَنْ كَانَ لِلْأَشْرَارِ قَبْلَكَ وَزِيرًا، وَمَنْ شَرَكْتَهُمْ فِي الْأَنْامِ، فَلَا يَكُونَنَّ لَكَ بَطَانَةً، فَإِنَّهُمْ أَعْوَانُ الْأَيْمَةِ، وَإِخْوَانُ الظُّلْمَةِ؛<sup>۳</sup>

بدترین وزیران تو کسانی هستند که

برای اشرار پیش از تو وزیر بوده‌اند. کسی

که با آنها در کارهایشان شرکت داشته است، نباید صاحب اسرار تو باشد؛ آنها همکاران حاکمان [ظالم] و برادران ستم کارانند.»

کوتاه سخن اینکه، گزینش افراد صالح، متعهد و کاردان برای به دست گرفتن امور دولتی از نظر معصومین علیهم السلام بسیار لازم و ضروری است و تساهل و تخطی از آن، خیانت به اسلام و مسلمانان به شمار می‌رود. حضور افراد بی‌تعهد و ناکارآمد در رده‌های بالای دولتی به شکست و ضعف برنامه‌های دولت می‌انجامد و نابسامانی اقتصادی و فقر و گرانی را برای کشور به ارمغان می‌آورد، و زمینه را برای حضور بیگانگان فراهم می‌سازد.

از این رو در انتخاب کارگزاران حکومت اسلامی باید نهایت دقت را به کار گرفت و هر چند انسان در انتخاب کارگزاران آزاد است ولی شرایط کارگزار اسلامی را نیز باید احراز کند. ادامه دارد....

۱. نهج البلاغه دشتی، نامه ۵۳.

۲. همان.

۳. همان.